



من در خبر گیلکی سعی می‌کنم از واژگان و کلمات اصیل و بیشتری استفاده کنم اما باتوجه به این که در حال حاضر گیلکی رو به فراموشی است و بعضا مردم از ما خرده می‌گیرند که ما این گونه صحبت نمی‌کنیم. دلیلش هم این است که حقیقتا گیلکی در حال فراموشی است

دردسره‌های شیرین خبرخوانی به گیلکی در گفت و گو با مریم دورباش

گوینده خبر موفقیت پسرم خودم بودم!

مریم دورباش، خبرنگار و مجری خبر شبکه باران، تحصیلاتش را در رشته علوم ارتباطات ادامه داد و از سال ۱۳۷۵ تا امروز در بخش های مختلف خبر گیلان مشغول به فعالیت است. دورباش یکی از مجریان خبری گیلان است که اخبار را با لهجه گیلکی برای مخاطبان می‌خواند. سراغ او رفتیم و از سختی کار در شبکه استانی و خبرخوانی با لهجه گیلکی گفتیم.

شروع شما از کجا بود و خبرخوانی محلی از چه زمانی کلید خورد؟

سال ۷۵ و زمانی که آزمون استخدامی صداوسیما اعلام شد به خاطر این که رشته تحصیلی ام علوم ارتباطات بود بلافاصله شرکت کردم و خدا را شکر قبول شدم! قطعاً سخت است؛ البته من عاشق گویش گیلکی هستم و این زبان مادری من است و به این زبان افتخار می‌کنم. ۱۶ - ۱۷ سال پیش ایده خبر با زبان محلی در استان مطرح شد و اولین گوینده بخش خبر گیلکی بودم. از آن زمان تا امروز هر شب ساعت ۲۳ مهمان مردم هستیم و اخبار استان را به زبان گیلکی برای مردم می‌گوییم.

صحبت با زبان گیلکی به صورت زنده و خبرخوانی و گزارش از صحنه سخت نیست؟

با این که بیشتر مواقع گیلکی صحبت می‌کنم اما واقعا برگرداندن خبر از فارسی به گیلکی کاری بسیار سخت است و بعضا پیش آمده که خبر تازه‌ای را به صورت فارسی در استودیو به من دادند و من مجبور بودم همان ساعت آن را به گیلکی برگردانم و ترجمه کنم اما چون سال هاست گوینده خبر گیلکی هستم دیگر برابرم راحت شده و موقع نوشتن خبر خیلی مواقع همون ساعت و سریع خبر را حفظ می‌کنم و در اجرای خبر هم بیشتر خبرها را بدون اتوکیو و از حفظ می‌خوانم. جالب این که مدتی اتوکیو نداشتیم و یکی از همکارانم که از گویندگان خوب خبر گیلکی است به من گفت یکی از آشناهای ما می‌گوید شما که گفتید اتوکیو ندارید پس چرا فلانی اتوکیو دارد؟ من گفتم که آن خبر را از حفظ می‌خواند البته من فکر می‌کنم چون خبرنگار هستم این کار برای من آسان تر است چون در صحنه گزارش باید گزارش فارسی و گیلکی را تهیه کنم.

بین صحبت و قرائت خبر تیپ هم زده‌اید؟ شده خبری را با لهجه و گویشی تلفظ کنید و مردم شما را ببینند یا مثلاً فرد مسن یا کارشناسی به شما بگوید تصحیح این کلمه این طور است؟

به هر حال تیپ مال گوینده است و خب من هم استثنا نیستم ولی سعی می‌کنم در مواقعی که تیپ می‌زنم با یک لبخند و عذرخواهی آن را سریع اصلاح کنم. من در خبر گیلکی سعی می‌کنم از واژگان و کلمات اصیل و بیشتری استفاده کنم اما باتوجه به این که در حال حاضر گیلکی



کار رسانه با لباس پاکبان‌ها!

بله، اوایل کار همه خانواده نگران ما بودند به‌ویژه این که ما باید برای گزارش بیرون می‌رفتیم و تجهیزات اولیه هم بسیار کم بود. یادم هست همان اوایل برای وضعیت پاکبان‌ها در کرونا مجبور شدم لباس آنها را بپوشم و از سختی کارشان در وضعیت کرونایی خبر بگیرم. حتی یادم هست برای وضعیت بد تکدی‌گری مجبور شدم از نزدیک تکدی‌گران را بشناسم و برای این کار گریتم شده و میان تکدی‌گرها رفتم!

رو به فراموشی است و بعضا مردم از ما خرده می‌گیرند که ما این گونه صحبت نمی‌کنیم. دلیلش هم این است که حقیقتا گیلکی در حال فراموشی است و فقط لهجه آن باقی مانده است.

پس خیلی کار سخت شده است؟

بله، بعضی مواقع مردم می‌بینند و معنای بعضی واژگان را می‌پرسند که البته من سعی می‌کنم معنی فارسی برخی کلمات را در خبر اعلام کنم که به نوعی آموزش هم داشته باشیم البته وقتی سفر ریاست جمهوری و وزرا را به استان داریم این خبر در سطح ملی است و ما هم این گونه خبرها را به‌طور رسمی باید اعلام کنیم.

انتخاب واژگان و برگرداندن آن به زبان گویش محلی سختی خاصی دارد، نظرتان در این مورد چیست؟

دایره لغات در زبان گیلکی بسیار زیاد است و برخی از واژگان آن برای من گوینده هم تازگی دارد و حتی به گوش من هم ناآشناست و دیگر این که مشکلی که ما داریم در گیلان گویش مردم در شهرها و روستاها متفاوت است. مردم شرق، غرب، جنوب و مرکز استان هر کدام به یک نوع صحبت می‌کنند اما معیار ما در خبر گیلکی مرکز

استان است.

گیلان یکی از استان‌های صدر کرونایی کشور است. خواندن خبر و اعلام آمار فوتی‌ها و ابتلا در این یک سال چطور بود؟

گیلان دومین استانی بود که درگیر کرونا شد و ما روزهای بسیار سختی را سپری کردیم و سخت‌تر از همه این که مجبور بودیم خبر بیماری و مرگ هموطنان مان را روزانه اعلام کنیم و به خاطر کرونا مجبور بودیم مدام خبرهای تازه‌ای را از این بیماری اعلام کنیم؛ به بیمارستان‌ها و بعضاً آرامستان‌ها برویم و روزهای تلخ کرونا را به تصویر بکشیم و دیدن این صحنه‌ها برابرم بسیار رنج‌آور بود و بارها با گریه‌های مردم من هم به گریه افتادم.

تلخ‌ترین خبری که خواندید چه بود و شیرین‌ترین خبری که از آن شاد شدید چه بود؟

تلخ‌ترین خبری که هم گوینده آن بودم و هم گزارش گرفتم خبر فوت مرحوم قهرمانی، استاندار اسبق گیلان بود. باتوجه به خدمات شایسته‌ای که ایشان انجام داده بود برای من اعلام این خبر بسیار سخت بود و در روز گزارش آنقدر گریه کردم که خواندن پلاتو و تهیه گزارش برابرم بسیار سخت شده بود.

و خبر شاد؟

گرچه این روزها خبرهای ناگوار بیشتر از خبرهای خوش است اما اعلام موفقیت جوانان در عرصه‌های مختلف که باعث افتخار آفرینی کشور مان می‌شوند برابرم بسیار خوشایند است اما جالب‌ترین و خوشحال‌کننده‌ترین خبر برای من مادر و گوینده خبر این بود که چند وقت پیش خبر موفقیت پسرم را در المپیاد علمی کشوری که مدال نقره را به‌دست آورد، خودم اعلام و برای این خبر حس متفاوتی را تجربه کردم و بسیار برابرم خوشحال‌کننده بود.

از ساخت مستند اولین شهید مدافع سلامت

تاسریالی با موضوع کادر درمان

فرشتگان سفیدپوش

ویروس کرونا، وضعیت کشور را یکباره تغییر داد. مسیرها مسدود شد و حتی فراموش نکردیم پویش معروف در خانه بمانیم آغاز شد. با شروع ویروس کرونا، گیلان اولین استانی بود که در کنار استان قم از ابتلا و جان باختن شهروندان گیلانی خبر داد. تا جایی که طبق آمار از ابتدای شیوع این ویروس، این استان یکی از استان‌های اول در صدر آمار ابتلا به کرونا بود. همین مساله موجب شد تا امروز بیش از ۳۱ نفر از کادر درمان این استان بر اثر ویروس کرونا به شهادت برسند.

در کنار این آمار باید از اولین شهید مدافع سلامت کشور نیز یاد کرد. شهید نرجس خانعلی‌زاده، جوان‌ترین و اولین شهید مدافع سلامت نام گرفت. شهید نرجس خانعلی‌زاده متولد ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۴ در شهرستان کلاچای استان گیلان است. این شهید مدافع سلامت در ۶ اسفند ۱۳۹۸ در لاهیجان پس از روزها درگیری با کرونا توسط ویروس منحوس کرونا جان باخت. برای پاسداشت مقام این شهید و سایر شهدای سلامت استان گیلان که فداکاری‌های بسیاری داشتند، مسوولان صداوسیما گیلان تصمیم گرفتند مستند مدافعان سلامت با عنوان «فرشته را سفید بکش» را تولید کنند. این مستند به همت گروه تلویزیونی بسیج و به تهیه‌کنندگی امیرحسین نارنجی و کارگردانی بهرام امانی در سیمای مرکز گیلان تهیه شده است. در این مستند علاوه بر نمایش فرهنگ ایثار و شهادت و با توجه به ایثار و فداکاری‌های بی‌نظیر پرستاران، پزشکان و کادر درمانی استان گیلان در ایام شیوع ویروس منحوس کرونا، تولیدکنندگان به معرفی چهره پزشکان و پرستاران و کادر درمانی که در این راه جان خویش را فز دست دادند، اقدام کردند. قسمت اول این مستند در بخش‌هایی از زندگی نخستین شهیده راه سلامت ایران، نرجس خانعلی‌زاده را بازسازی کرده و توسط همکاران و نزدیکان وی بازگو می‌شود.

در کنار مستند یادشده، سریال «ابر می‌بارد» به عنوان نخستین اثر نمایشی با موضوع کرونا در کشور تولید می‌شود که راوی مجاهدت‌های کادر درمان در ایام بیماری است. این سریال در ۱۸ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به نویسندگی مهدی بهپور و تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدرضا معینی در گیلان تهیه و تولید می‌شود. ابر می‌بارد، داستان پرستاری خدوم و سختکوش به نام پریاس است که در یکی از بیمارستان‌های رشت خدمت می‌کند و از ابتدای شیوع کرونا در کنار همکاران دلسوز خود تیماردار تن و روح مجروح مردم است.

داستان از این قرار است که پریسا که به‌تازگی مادر بزرگ خود را از دست داده، با فشار برخی اعضای خانواده خود را مقصر انتقال ویروس از بیمارستان به خانه می‌داند و همین چالش درگیری‌های او را افزون کرده است. دکتر احتشام، رئیس جدی اما مهربان بیمارستان با کمک همکارانش و پریسا به‌تازگی درگیر آغاز شیوع این ویروس و فشار مضاعف بیماراران شده‌اند. او معشوقه قدیمی خود لیلا را هم میان بیماراران دیده و تاول‌های دردی کهنه از عشق سر باز زده است. این سریال قصه مجاهدت توام با شفقت کادر درمان و سایر نیروهای مردمی و یاری‌رسان در فاجعه همه‌گیر کروناست. سریال ابر می‌بارد، اولین سریال با موضوع همه‌گیری کرونا در رسانه ملی است که به موضوع زحمات و شوق و ایثار کادر درمان در این پاندمی می‌پردازد.